

عوامل و زمینه‌های مهجوریت قرآن در بعد سیاسی و اجتماعی

در اندیشه امام خمینی (س)

عبدالهادی فقهی‌زاده^۱

یونس اشرفی امین^۲

چکیده: مهجوریت قرآن به معنای متروک ماندن آموزه‌ها و اعراض از مفاهیم آن از سوی مخاطبان است. امام خمینی با اعتقاد به جامعیت همه‌جانبه قرآن، بر آن است که ابعاد سیاسی و اجتماعی آن عملاً در سطح وسیعی از جوامع مسلمان مهجور واقع شده است. از نظر ایشان هم مسلمانان و هم بیگانگان در مهجوریت قرآن نقش دارند و مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل مهجوریت قرآن عبارتند از: مهجوریت اهل بیت (ع)، بسنده کردن به ظواهر قرآن، تحجر و خشک‌ذهنی، ناکارآمد جلوه دادن قرآن در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از سوی دشمنان، ارائه تفاسیر ناصواب و سلیقه‌ای از قرآن، ستم‌پیشگی حاکمان و زمامداران، از خودبیگانگی و خودباختگی فرهنگی. **کلیدواژه‌ها:** مهجوریت قرآن، آموزه‌های سیاسی قرآن، آموزه‌های اجتماعی قرآن، مصلحان دینی و امام خمینی.

طرح مسأله

قرآن کلام حق (زمر: ۴۱؛ رعد: ۱؛ سبأ: ۶) مایه هدایت و شفا و رحمت (اسراء: ۸۲؛ یونس: ۵۷)، نور (نساء: ۱۷۴؛ تغابن: ۸)، حکمت (آل عمران: ۵۸)، برهان (نساء: ۱۷۴)، ریسمان محکم الهی (آل عمران: ۱۰۳)، مایه ازدیاد ایمان مؤمنان (أنفال: ۲؛ توبه: ۱۲۴)، نجات دهنده (ابراهیم: ۱)، حجت خدا بر بندگان (أنعام: ۱۴۹)، بهترین سخن (زمر: ۲۳) و تنها پناهگاه انسان (کهف: ۲۷) است. بنابراین عمل به آموزه‌های قرآن، ضامن سعادت دنیا و آخرت است. چنان‌که در گذشته نیز عمل به آموزه‌های آن باعث رشد و شکوفایی مسلمانان شده است؛ اما از وقتی قرآن عملاً از زندگی مسلمانان اندک‌اندک کنار رفته و حضور خود را در جامعه از دست داده، جامعه اسلامی به انحطاط گراییده است. از این رو امروزه در جوامع اسلامی، قرآن، در عمل، مبنای روابط اجتماعی و سیاسی نیست و با تشریفاتی

۱. استادیار دانشگاه تهران
e-mail: feghhizadeh48@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن
e-mail: ashrafyamin@gmail.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲۸ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۸ مورد تأیید قرار گرفت.

شدن نگاه به آن، صرفاً بُعد تخصصی یافته است و گویی تنها گروه خاص و در زمان‌ها و مکان‌هایی ویژه به آن مراجعه می‌کنند. در مقابل، عموم مصلحان دینی بر لزوم مراجعه به قرآن تأکید کرده‌اند. امام خمینی با نگاه جامع به قرآن کریم، همواره به احیای آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن پرداخت و عملاً توانست با تأسیس نظام حکومتی مبتنی بر قرآن، آموزه‌های سیاسی و اجتماعی آن را در سطحی گسترده به صحنه حیات اجتماعی برگرداند. بر این اساس در مقاله حاضر برآنیم پس از بیان کلیاتی دربارهٔ مهجوریت قرآن و نگرش امام خمینی به ابعاد آن، به تبیین عوامل بروز مهجوریت قرآن در بعد سیاسی و اجتماعی در اندیشهٔ این مصلح دینی، اجتماعی و سیاسی بزرگ پردازیم.

۱- مفهوم‌شناسی مهجوریت قرآن

مهجوریت از ریشهٔ «هجر» گرفته شده و «مهجور» اسم مفعول آن است. گروهی از لغویان، «هجر» را ضد «وصل» (ابن منظور ۱۴۱۰ ج ۵: ۲۵۰؛ جوهری ۱۴۰۷ ج ۲: ۸۵۱؛ ابن فارس ۱۳۹۹ ج ۶: ۳۴) و مهجور گذاشتن را به «ترک» معنا کرده‌اند (ابن منظور ۱۴۱۰ ج ۵: ۲۵۲؛ زبیدی ۲۰۰۷ ج ۱۴: ۲۲۱؛ انیس ابراهیم ۱۳۷۴: ۹۷۳). از این رو «مهجور» و «هجیر» در معنای متروک (ابن منظور ۱۴۱۰ ج ۵: ۲۵۶؛ زبیدی ۲۰۰۷ ج ۱۴: ۲۲۴؛ انیس ابراهیم ۱۳۷۴: ۹۷۳) به کار رفته است. صاحب کتاب *العین*، مهجوریت را ترک چیزی می‌داند که انسان در مقابل آن تعهد دارد (فراهدی ۱۴۰۵ ج ۱: ۳۸۷ و نیز ر.ک. به: ابن منظور ۱۴۱۰ ج ۵: ۲۵۲؛ زبیدی ۲۰۰۷ ج ۱۴: ۲۲۴) و مراد از سخن پیامبر (ص) در آیهٔ ۳۰ سورهٔ فرقان را مهجوریت خود پیامبر (ص) و قرآن برمی‌شمارد (فراهدی: ۱۴۰۵ ج ۱: ۳۸۷). راغب اصفهانی نیز بر آن است که مراد از مهجوریت در آیهٔ مزبور، دوری قلبی یا قلبی و زبانی از قرآن است (راغب ۱۴۱۸: ۸۳۳). مصطفوی نیز «هجر» را به معنای «ترک چیزی همراه با وجود نوعی ارتباط با آن» معنا کرده است (مصطفوی ۱۳۶۹ ج ۱۱: ۲۴۰). معنای دیگر «هجر»، هذیان گفتن و سخن باطل بر زبان راندن است (جوهری ۱۴۰۷ ج ۲: ۸۵۱؛ زبیدی ۲۰۰۷ ج ۴: ۲۱۷، ۲۱۹؛ ابن فارس ۱۳۹۹ ج ۶: ۳۵). در فرهنگ‌نامه‌های فارسی نیز مهجور به معنای دور افتاده، سخن پریشان و ناحق، متروک و کلامی که استعمال آن وانهاده شده، به کار رفته است (دهخدا بی‌تا ج ۱۴: ۲۱۸۷۴؛ شاد ۱۸۹۲ ج ۳: ۴۷۹).

برخی از مفسران منظور از مهجوریت قرآن را متروک نهادن قرآن و ایمان نیاوردن به آن دانسته‌اند. (فیض کاشانی ۱۴۱۵ ج ۴: ۱۱؛ آلوسی ۱۴۱۵ ج ۱۰: ۱۴؛ فخررازی ۱۴۲۰ ج ۲۴: ۴۵۵؛ سیوطی ۱۴۱۶: ۳۶۵؛

بیضاوی ۱۴۱۸ ج ۴: ۱۲۳) بعضی دیگر از مفسران، از مهجوریت به اعراض مردم از قرآن و هدایت و عدم توجه به آن تعبیر کرده‌اند. (طوسی بی‌تا ج ۷: ۴۸۶؛ ابن کثیر ۱۴۱۹ ج ۶: ۹۹)؛ چنان‌که در برخی از تفاسیر تصریح شده است که مهجوریت به معنای عدم تصدیق و عمل به آموزه‌های قرآن است (رازی ۱۴۰۸ ج ۱۴: ۲۱۸؛ ابن کثیر ۱۴۱۹ ج ۶: ۹۹).^۲

بنابراین مهجور کردن قرآن، به معنای عدم درک درست اهمیت و جایگاه قرآن و ترک آموزه‌های آن و نوعی بی‌توجهی به آن از روی غفلت است و مهجوریت قرآن مراتبی دارد که مهم‌ترین مرتبه آن، عدم عمل به آموزه‌های قرآن و اکتفا به جنبه‌های صوری و تشریفاتی به شمار می‌رود.

۲- «مهجوریت قرآن» از دیدگاه امام خمینی

قرآن کریم از منظر امام خمینی، سفره گسترده الهی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۱۱۵) کتاب انسان‌سازی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۳۰؛ ج ۷: ۲۸۵) و جامع معارف و حقایق اسماء و صفات الهی است. امام خمینی قرآن را «از بزرگ‌ترین مظاهر رحمت مطلقه الهیه» (امام خمینی ۱۳۷۳: ۶۶) صورت اسم اعظم (امام خمینی ۱۳۷۳: ۳۲۱)، تجلی تام اسماء و صفات الهی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۴۲۱) سرّین حق و ولیّ الله اعظم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۸۵) معرف انسان کامل (امام خمینی ۱۳۷۳: ۳۲۱) اعظم و اشرف کتب مقدسه (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۱۲) تاج کرامت و شرف (امام خمینی بی‌تا: ۸۰) مبدأ تمام معارف (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۴۳۸) و هدایتگر به راه مستقیم (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۰۳) معرفی می‌کند.

از دیدگاه امام خمینی، قرآن کریم در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعیت تام دارد (امام خمینی ۱۳۷۹: ۴۹) و مشتمل بر همه چیز است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۴۸). حجم آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن را بیشتر از مطالب عبادی آن است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۲۵۵؛ ج ۵: ۱۸۸) و بر آن است که نسبت آیات اجتماعی و سیاسی قرآن به آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است (امام خمینی ۱۳۸۱: ۱۱). ولی مسلمانان عملاً آنها را کنار گذاشته و تنها به بُعد ضعیف آن توجه

۱. همچنین ر.ک. به: (صادقی تهرانی ۱۳۶۵ ج ۲۱: ۳۰۰؛ سید قطب ۱۴۱۲ ج ۵: ۲۵۶؛ فضل الله ۱۴۱۹ ج ۱۷: ۳۹؛ قاسمی ۱۴۱۸ ج ۷: ۴۲۶؛ مغنیه ۱۴۲۴ ج ۵: ۴۶۶؛ مودودی ۱۴۱۷ ج ۳: ۶۴۹).

۲. همچنین ر.ک. به: (مدرسی ۱۴۱۹ ج ۸: ۴۲۴؛ نجفی ۱۳۹۸ ج ۱۴: ۲۱۸؛ سید قطب: ۱۴۱۲ ج ۵: ۲۵۶؛ میدی ۱۳۷۱ ج ۷: ۲۹).

کرده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۳). امام خمینی احکام عبادی را منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی برمی‌شمارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۳۱ - ۱۳۰) و آیات اخلاقی قرآن را نیز مشتمل بر ابعاد سیاسی و اجتماعی تلقی می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۹: ۶۱).

امام خمینی معتقد است علی‌رغم آنکه قرآن همه چیز برای مسلمانان به ارمغان آورده، خود مسلمانان، عملاً آن را مهجور کرده‌اند؛ به این معنا که «استفاده‌ای که باید از آن بکنند نکردند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۲۰). ایشان ضمن اینکه احکام سیاسی و اجتماعی اسلام را مهجور می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۶۳) با اشاره به شکوه پیامبر (ص) از امت خود^۱ و با نیم‌نگاهی به وضعیت کنونی جهان اسلام، علت عمده مشکلات مسلمانان را در عمل نکردن به آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن برمی‌شمارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۳۴-۳۳) امام خمینی با یادکرد آیه ۱۷۹ از سوره اعراف^۲، یکی از علامات جهنمی بودن را عدم تفقه و تدبر در آیات قرآن می‌داند و چنین کسانی را از حیوانات گمراه‌تر معرفی می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۶: ۲۸۷). از نظر ایشان، علت عدم تأثیر قرآن در دل‌های مسلمانان، آن است که قلب‌های آنان از حقایق عقلی آن آگاه نیست و استفاده مسلمانان از آن، در حد لقلقه زبان است و در مرتبه ذکر حقیقی قرار ندارد. از این رو می‌گوید: «... حقیقت و حقیقت قرآن به قلب ما نرسیده و دل ما به آن نگرویده و ادراک عقلی، بسیار کم اثر است» (امام خمینی ۱۳۸۶: ۹۱-۹۰).

۳- عوامل و زمینه‌های مهجوریت قرآن در بعد سیاسی و اجتماعی

مهجوریت قرآن واقعیتهای انکارناپذیر است که در آیات قرآن نیز از زبان پیامبر (ص) به آن اشاره شده است (فرقان: ۳۰) و حصول آن، بی‌گمان، مانند هر پدیده دیگری مسبوق به علل و عوامل خاصی است. بنابراین و با تتبع در آثار برجای مانده از امام خمینی می‌توان به زمینه‌ها و عوامل متعددی برای مهجور ماندن آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن در نزد بیشتر مسلمانان و در اغلب جوامع اسلامی در طول تاریخ پی برد که ما آنها را به دو دسته عوامل درون‌دینی و برون‌دینی تقسیم می‌کنیم و در ادامه به بیان مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱. «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان: ۳۰)

۲. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا...»

۳-۱- عوامل و زمینه‌های درون‌دینی

۳-۱-۱- مهجوریت اهل بیت^(ع)

خداوند مسئولیت تبیین قرآن را بر عهده خود پیامبر^(ص) گذاشته است (نحل: ۴۴، ۶۴). پیامبر^(ص) نیز از سوی خداوند، اهل بیت^(ع) را در حدیث ثقلین عدل قرآن معرفی کرده (کلینی ۱۴۱۱ ج ۱: ۲۳۳؛ ترمذی بی‌تاج ۵: ۶۶۳؛ ابن حنبل ۱۳۹۸ ج ۳: ۱۷، ۱۴، ۲۶) و مسلمانان را از خطر افتراق این دو انذار داده است، چنان‌که قرآن کریم، اطاعت از پیامبر^(ص) را به منزله اطاعت از خداوند می‌داند (نساء: ۸۰)، اما بعد از سپری شدن عصر بعثت، اتفاقاتی افتاد که اهل بیت^(ع) در جامعه اسلامی مهجور واقع شدند. امام خمینی با اشاره به حدیث ثقلین تأکید می‌کند که بعد از رحلت پیامبر^(ص)، «هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۹۴).

امام خمینی عدم تشکیل حکومت از سوی اهل بیت^(ع) را بزرگ‌ترین گرفتاری جهان اسلام برمی‌شمارد و معتقد است که مسلمانان در طول تاریخ، گرفتار هواهای نفسانیه بوده‌اند و این مشکلات، مقابله با تشکیل حکومت اسلامی از سوی ائمه^(ع) است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۳۵۸). بنابراین مهجوریت اهل بیت^(ع)، در عمل باعث مهجور شدن قرآن شده و بسیاری از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، که می‌توانست از سوی معصومان^(ع) در عرصه‌های گوناگون اجتماعی جامعه عمل بپوشد، متروک گردیده است.

۳-۱-۲- بسنده کردن به ظواهر قرآن

اکتفا به ظواهر از سوی اندیشمندان و مفسران مسلمان، گناه باعث مهجوریت ابعاد سیاسی و اجتماعی قرآن شده است. امام خمینی با اشاره به پاره‌ای روایات، از مفسرانی انتقاد می‌کند که استفاده از قرآن را در ضبط و جمع اختلاف قرائات و معانی لغات و محسنات لفظیه و معنویه و وجوه اعجاز و امثال آن منحصر دانسته و از معارف الهیه و جهات روحی قرآن غافل شده‌اند. امام خمینی آنان را مانند بیمارانی می‌داند که به طبیب مراجعه کرده نسخه پزشک را به همراه دارند، اما معالجه خود را در این می‌دانند که نسخه طبیب را حفظ و ضبط کنند و به ترکیبات آن پی ببرند. به تعبیر امام خمینی «اینان را مرض خواهد کشت و علم به نسخه و مراجعه به طبیب برای آنها بکلی

بی نتیجه است» (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۷۱). ایشان علت استفاده حدافلی از این کتاب زندگی را در عدم نگاه تعلیمی به آن قلمداد می کند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۹۲).

امام خمینی با اشاره به شکوه پیامبر (ص) تأکید می کند که اگر به ظواهر قرآن اهمیت بدهیم، اما در عمل به آموزه های آن اهتمام نوزیم، از ننگ مهجور گذاشتن قرآن و شکایت پیامبر (ص) رهایی نخواهیم یافت (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۹۸). امام خمینی ضمن انتقاد شدید از بسنده کردن به ظواهر و مسائل سطحی مربوط به قرآن اذعان می کند که واقعاً «آیا اگر ما این صحیفه الهیه را مثلاً جلدی پاکیزه و قیمتی نمودیم و در وقت قرائت یا استخاره بوسیدیم و به دیده نهادیم، آن را مهجور نگذاشتیم؟...» (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۹۸).

امام خمینی از پرداختن برخی از ظاهرگرایان به علوم قرآن، بدون تدبر و تفکر در آیات آن و اینکه علوم قرآن را صرفاً در «معانی عرفیه عامیه و مفاهیم سوقیه وضعیه» بدانند و کار خود را منحصر در «دستورات صوریه ظاهریه» قلمداد کنند، انتقاد می کند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۹۰) و آن را «شناختن حق قرآن و ناقص دانستن شریعت» برمی شمارد (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۹۱). از این رو، با انتقاد از ظاهرگرایی، توقف در ظاهر را مایه مرگ و هلاکت و جهالت دانسته و نخستین ظاهرگرا را شیطان می داند که با نگاه به ظاهر آدم و بدون توجه به باطن و مقام وی، از عمل به فرمان خداوند سرپیچی کرد (امام خمینی ۱۳۵۹: ۹۵). امام خمینی در عین حال عملکرد برخی از اهل باطن را نیز به سبب غفلت از ظواهر قرآن نقد می کند و راه وصول به باطن را «تأدب به ظاهر» می داند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۹۰) و از این رو، با مردود شمردن افراط و تفریط در پرداختن به ظواهر، عالمان را به رعایت اعتدال و توجه به ظاهر توأم با توجه به باطن فرا می خواند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۹۱).

برخی از دانشمندان، علوم گوناگون را حجابی برای فهم قرآن دانسته و حتی اصطلاحات و دانش هایی را که برای فهم دین و آیات قرآن به کار رفته، «حجاب» برشمرده اند (طالقانی بی تا ج ۱: ۱۶). گروهی دیگر نیز، تصریح کرده اند توجه به ظواهر و عدم درک و پرداختن به ابعاد اجتماعی و سیاسی قرآن و اسلام، باعث رخوت و سستی و بی تفاوتی عده ای نسبت به مسائل جامعه می گردد (سید قطب ۱۳۵۰: ۳۱).

۳-۱-۳- تفاسیر ناصواب و سلیقه ای

امام خمینی با انتقاد از انحراف و کج فهمی عدّه‌ای، تأکید می‌کند که در طول قرون گذشته، برخی ماهیت ظلم ستیز اسلام را در اثر تبلیغات سوء بیگانگان دگرگون جلوه داده‌اند و قرآن کریم را که کتاب جهاد با مشرکین و مترفین است، دگرگون شناسانده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۵۴). ایشان از توجیه معنوی برخی مسائل سیاسی و اجتماعی قرآن اظهار نارضایتی کرده (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۵۹) و با اشاره به تفسیرهای فریبنده و انحرافی برخی از گروه‌ها، بر لزوم تمسک به قرآن، برای درهم کوبیدن و از بین بردن استکبار و جبهه کفر و نفاق پافشاری می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۴۶-۲۴۷، ۳۳۱). چنان که از نظر سیدجمال الدین اسدآبادی نیز تفسیر غربی آیات و مفاهیم قرآن و توجیه آیات ماوراءالطبیعی قرآن و تفسیر مادی آن از عوامل مهجوریت آخرین کتاب آسمانی به شمار می‌رود (مطهری بی تا: ۲۰).

۳-۱-۴- سازش و سکوت در مقابل ستمگران

آیات قرآن بر ظلم ستیزی و لزوم مبارزه با ستمگران دلالت دارد؛ اما در طول تاریخ برخی از مسلمانان با سکوت و سازش در برابر ظلم و جور، عملاً باعث مهجوریت آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن شده‌اند. امام خمینی سازش با ظالم را، ظلم به مظلوم و ظلم به بشریت دانسته (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۵۰۰) و آن را خلاف قرآن برشمرده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۴۰) و از برخی واعظان غیر متعظ با تعبیری چون «آخوندهای درباری»، «وعاظ السلاطین» و... انتقاد می‌کند که در طول تاریخ با جعل روایت، عملاً در مقابل قرآن ایستاده و جنبه ظلم ستیزی قرآن را مهجور نهاده و حکم به سازش با سلاطین و حکام ظالم داده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۱: ۶۵). او آنان را «علمای سوء و تملق گویان ظلمه و ستمگران» و «دین به دنیا فروشانی» می‌نامد که از منزلت و موقعیت علمای اسلام سوء استفاده می‌کنند و به ظالمان خدمت می‌کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۳۸، ۳۳۹). امام خمینی با استناد به پاره‌ای آیات قرآن مانند آیه ۳۶ سوره مائده و روایات معصومان (ع)، مانند «إذا ظهرت البدع فللعالَم أن یظهر علمه و إلا فعليه لعنة الله» (کلینی ۱۴۱۱ ج ۱: ۵۴) سکوت علما را به منزله تأیید ستمگران و کمک به دشمنان اسلام می‌داند (امام خمینی ۱۳۷۹: ۲۰۶). ایشان سازش با بیگانگان را خود باختگی و خیانت به اسلام و مسلمانان برشمرده و از مردم می‌خواهد که سازش کاران را طرد کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۴۸).

۳-۱-۵- دنیازدگی گروهی از مسلمانان

از دیگر عوامل مهجوریت قرآن در طول تاریخ، دنیازدگی گروهی از مسلمانان است. امام خمینی یکی از حجاب‌ها و موانع استفاده از قرآن و مهجور ماندن معارف آن را «حب دنیا» می‌داند؛ زیرا قلب به واسطه این محبت از ذکر خدا غافل می‌شود و از قرآن و آموزه‌های آن اعراض می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۰۲). بنابراین به حوزه‌های علمیه و روحانیان توصیه می‌کند که ساده‌زیستی را همواره رعایت کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۴۳-۳۴۲) و از زیّ طلبگی خارج نشوند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۱۳-۱۲) زیرا در غیر این صورت، اسلام تخریب می‌شود. از نظر ایشان، عالمی که از نظر علمی به مرتبه بالایی رسیده، اما تهذیب یافته نیست، بسیار مضر است و ضررهایی برای جامعه دارد که غیر عالم ندارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۱۰). او از سر دلسوزی به حوزه‌های علمیه سفارش می‌کند که مبادا حوزه‌ها گرفتار تشریفات شوند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۴۳-۴۲). امام خمینی از روحانیان می‌خواهد که به دانسته‌های خود عمل کنند؛ زیرا اگر یک روحانی، گفتار، رفتار و حرکاتش قرآنی نباشد، نمی‌تواند مبلغ قرآن و اسلام و اهل بیت^(ع) باشد؛ از این رو با اشاره به روایاتی که اهل جهنم از بوی عالمی که به علمش عمل نکنند، آزرده می‌شوند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۶؛ کلینی ۱۴۱۱ ج ۱: ۴۴) تأکید می‌کند که بین عالم و غیرعالم تفاوت وجود دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۷-۱۶) زیرا انحراف عالم، باعث انحراف یک امت می‌گردد؛ «إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ، فَسَدَ الْعَالَمُ» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۲۴؛ ج ۶: ۲۸۵؛ آمدی بی‌تا ج ۷: ۲۶۹)؛ چنان‌که گروهی از مصلحان دینی، مانند سید قطب، کواکبی و مطهری نیز از وابستگی برخی از دانشمندان و عالمان به دنیا و عدم تطابق قول و عمل آنان انتقاد کرده‌اند (سید قطب بی‌تا: ۹۷-۹۴؛ امین بی‌تا: ۲۷۵؛ مطهری ۱۳۷۸: ۸۶).

۳-۱-۶- تحجر و خشک‌ذهنی

فهم صحیح قرآن و آموزه‌های آن، نیازمند وسعت نظر، ژرف‌اندیشی و عقلانیت است. در مقابل، تحجر، قشری‌گری و جمود، آفت فهم دین به شمار می‌رود. نگاهی به تاریخ اسلام، نقش قابل توجه این عامل را در رشد یا انحطاط مسلمانان نشان می‌دهد. فرقی ظاهرگرا عمدتاً به این آسیب فکری گرفتار بوده‌اند. خوارج جزء این متحجران بوده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۰۳-۳۰۲؛ ج ۱۴: ۱۳۶؛ ابن ابی‌الحدید ۱۴۰۴ ج ۲: ۲۸۲-۲۸۱). امام خمینی همواره از متحجران مقدس‌نما انتقاد کرده و خطر تحجرگرایان را مهم برشمرده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۷۸؛ ج ۲۰: ۳۱۵) و خطاب به علما

می‌گوید: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۷۸).

جوادی آملی نیز سرّ رکود معرفت‌شناسی را در ادوار گذشته، بینش متحجرانه ظاهرگرایانی برشمرده است که در مسائل فقهی به وجوب احتیاط در «مالانص فیه» معتقد بودند و در مسائل اعتقادی، قرآن را تحریف شده یا دشوارفهم مهجور نهادند و بنابراین آیات فراوانی که دعوت به نظر، تدبیر، تعقل و مانند آن داشت یا مصداق استدلال و نمونه احتجاج و نظایر آن را ارائه می‌داد، همچنان مهجور ماند (جوادی آملی ۱۳۷۸ ج ۱۳: ۴۲). برخی از مصلحان دینی مانند سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده نیز از وجود تحجر، جمود و خشک‌ذهنی در کشورهای اسلامی، همزمان با عصر پیشرفت و تلاش همه جانبه غرب برای ترقی و توسعه، انتقاد کرده‌اند (شرفی ۱۳۷۲: ۸۰-۸۱؛ مطهری بی تا: ۳۶).

۳-۱-۷- از خودبیگانگی و خود فراموشی

یکی از عوامل مهجوریت قرآن در بعد سیاسی و اجتماعی، دچار شدن گروه‌هایی از مسلمانان به نوعی خودبیگانگی و خود فراموشی در مواجهه با فرهنگ غربی در جامعه جهانی است؛ حال آنکه قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ...» (حشر: ۱۹). امام خمینی وابستگی فکری و فرهنگی به غرب را آفتی برای جامعه اسلامی برمی‌شمارد و معتقد است که اگر مسلمانان با دیدن پیشرفت صنعتی غرب گمان کنند که راه پیشرفت، کنار نهادن عقاید خود و یکرنگی با آنان است، راه به خطا پیموده‌اند (امام خمینی ۱۳۸۱: ۱۹). او با نقد از خودباختگی مسلمانان در مقابل پیشرفت‌های مادی بیگانگان (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۷۹)، تبلیغات فراوان درباره پیشرفت‌های غرب را عاملی برای تحقق این هدف می‌داند که مسلمانان کاملاً مطیع فرهنگ غربی گردند و به فرهنگ غربی افتخار کنند و در مقابل، پرداختن به قرآن و شعائر اسلامی، عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی تلقی گردد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۸۰؛ ج ۲۱: ۴۱۶). چنان‌که برخی دیگر از مصلحان دینی و اجتماعی مانند سید جمال الدین اسدآبادی نیز از خودبیگانگی و از خودباختگی در مقابل غرب را عامل مهجوریت آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن برشمرده‌اند (اسدآبادی ۱۴۲۱: ۸۷-۹۱؛ مطهری بی تا: ۳۲).

۳-۲- عوامل و زمینه‌های برون دینی

۳-۲-۱- استکبار و مستکبران

قرآن کریم استکبار را عامل مخالفت با دعوت و آیات الهی (جائیه: ۳۱)، و مستکبران و استکبار را باعث گمراهی مستضعفان (سبأ: ۳۱) برشمرده است. از آنجا که بیگانگان آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن را مانع بزرگی برای رسیدن به اهداف خود می‌دانند، از این رو، کوشش برای مهجور ساختن قرآن و کنارگذاشتن آن از زندگی سیاسی و اجتماعی مسلمانان را به مثابه راهبردی اساسی دنبال می‌کنند تا بتواند سلطه‌گری خود را در کشورهای اسلامی تداوم بخشند. امام خمینی به نقشه‌های بیگانگان در مهجور کردن قرآن اشاره کرده، به همکاری آنان با حکومت‌های ناصالح در جهان اسلام برای محو قرآن از صحنه جامعه می‌پردازد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۹۶-۳۹۵) و تأکید می‌کند که بیگانگان می‌خواهند مسلمانان را از قرآن جدا کنند، تا پشتوانه‌ای نداشته باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۱۶).

در همین مسیر، حاکمان و زمامداران ستمگر، افزون بر بی‌توجهی به آموزه‌های قرآن و عترت، جامعه را از اهتمام به آموزه‌های اسلام باز می‌داشته و بعضاً به مخالفت و معارضة نظری و عملی با قرآن و معصومان^(ع) پرداخته‌اند.

قرآن کریم در آیات متعدد به خوی استکبارگری (عنکبوت: ۳۹)، برتری طلبی (یونس: ۸۳؛ مؤمنون: ۴۶؛ قصص: ۴)، به بندگی کشیدن مردم (شعراء: ۲۲)، استضعاف (قصص: ۴)، اسراف کاری (یونس: ۸۳)، فساد (نمل: ۳۴؛ بقره: ۲۰۵؛ قصص: ۴)، اتراف (سبأ: ۳۴)، استبداد (غافر: ۲۹) حاکمان ستم‌پیشه اشاره کرده و آنها را عوامل و زمینه‌های عملی دوری گروه‌های پرشماری از مردم از عمل به آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن شناسانده است.

امام خمینی با اشاره به اینکه نبود حکومت اسلامی باعث گسترش ظلم و فساد است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۵) به تفاوت‌های حکومت اسلامی با حکومت‌های دیگر پرداخته و مسئولان کشور را از کمترین ظلم و زورگویی برحذر می‌دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۱). ایشان منشأ آشفستگی جامعه و به وجود آمدن تفرقه را مسئولان کشورهای اسلامی می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۵۶) و ضمن اشاره به اقدامات حکام برای مهجور کردن مفاهیم قرآن، تظاهر آنان به قرآن را برای عوام فریبی می‌داند و از اینکه از سویی آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن را نقض کرده و از سوی دیگر به چاپ و انتشار قرآن می‌پردازند، انتقاد می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۸۸-۲۸۷). امام خمینی ضمن

خطرناک دانستن این فریب کاری (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۴۶۷) تظاهر آنان به دینداری را برای از بین بردن محتوای قرآن برمی شمرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۱۷؛ ج ۸: ۱۲-۱۱).

۳-۲-۲- ناکارآمد جلوه دادن قرآن

یکی دیگر از عوامل مهجوریت قرآن و عدم تحقق آموزه‌های آن در جوامع اسلامی، نگرش محدود به آیات آن و ناکارآمد جلوه دادن آموزه‌های قرآن در ابعاد سیاسی و اجتماعی است. حال آنکه آیات قرآن حاکی از جامعیت و جهانی بودن آن است (ص: ۸۷؛ قلم: ۵۲؛ أنعام: ۱۹؛ بقره: ۱۸۵). امام خمینی با اتخاذ موضع شدید در برابر گروهی که قرآن و اسلام را فاقد احکام سیاسی - اجتماعی می‌دانند تصریح می‌کند: «قرآن کریم و سنت رسول الله - صلی الله علیه و آله - آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۰۶). ایشان تصریح می‌کند که آن روز که در غرب هیچ خبری نبود و در جهان اثری از قانون نبود، خداوند به وسیله پیامبر (ص) قوانینی فرستاد که انسان از عظمت آنها به شگفت می‌آید؛ از این رو خداوند علاوه بر وظایف عبادی، برای مسائل سیاسی و اجتماعی و حکومتی نیز قانون جامع و کامل فرستاده است (امام خمینی ۱۳۸۱: ۱۲).

۳-۲-۳- مقابله با آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن

استکبار و ایادی آن همواره سعی در منزوی کردن قرآن و آموزه‌های سیاسی و اجتماعی آن داشته‌اند و به این منظور از حرب‌های گوناگونی بهره برده‌اند. امام خمینی با اشاره به حملات علنی و مخفیانه دشمنان اسلام علیه قرآن و معارف آن، مسلمانان را به بیداری و هشیاری در مقابل آنها فرا می‌خواند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۸۸-۴۸۷) جسارت به ساحت مقدس قرآن مثل پاره نمودن آن، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۳۶۱) آتش زدن قرآن، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۳۱؛ ج ۴: ۱۶۵) مسخره کردن آیات، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۸) تشکیک در قرآن، انتشار قرآن‌های ساختگی، ایجاد تردید در اعتقادات و متهم کردن اسلام به دین ناامنی، متهم ساختن قرآن به تروریسم (غزالی بی تا: ۹۷) عقب افتادگی و هرج و مرج طلبی از مصادیق اهانت به قرآن از سوی دشمنان اسلام به شمار می‌روند (هامفری ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۰۷) که خواه ناخواه در تشویه چهره اسلام و قرآن کریم در میان عده‌ای از مردم کشورهای گوناگون مؤثر می‌افتد.

امام خمینی به مقابله استعمارگران با آموزه‌های وحیانی برای دور ساختن فرهنگ قرآن از جامعه (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۶۱) و محو اساس قرآن کریم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۸۲) و آموزه‌های آن اشاره می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۹: ۵۶۴) و نسبت به ترویج تعلیمات انحرافی غرب برای جلوگیری از پیشرفت جوانان هشدار می‌دهد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۹-۸۱) و معتقد است دولت‌های استکباری تلاش می‌کنند تا با نفوذ در دانشگاه‌ها، جوانان را مطابق خواست خود تربیت کنند و استقلال فکری را از آنان بگیرند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۵).

۳-۲-۴- تبلیغ جدایی دین از سیاست

یکی از اقدامات بیگانگان در جهت مهجوریت آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، ترویج جدایی دین از سیاست به‌شمار می‌رود. امام خمینی سکولاریسم را منطق اسلام نمی‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۴۰) و با ابراز نگرانی از رواج تفکر جدایی دین از سیاست در کشورهای اسلامی، اسلام را غریب و ناشناخته معرفی می‌کند، و مسلمانان را ناآشنا به حقایق اسلام برمی‌شمارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۱). ایشان ضمن انتقاد از برخی سردمداران کشورهای اسلامی، آنان را «وابستگان به حکومت‌های جابر» و بازیگرانی می‌نامد که اسلام را در گوشه مساجد محصور نموده‌اند و باعث عقب ماندگی مسلمانان شده‌اند و احکام اسلامی مانند حج و نماز جمعه را به صورت یک ظاهر بی محتوا و خشک محصور کرده‌اند و با «کج فهمی» و «کج فکری» حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالفت می‌کنند... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۱). از این رو فعالیت سیاسی را یکی از وظایف مذهبی - مسلمانان برمی‌شمارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۴۰).

امام خمینی بر آن است که استعمار می‌خواهد دین را از سیاست جدا کند و از دخالت علمای اسلام در امور سیاسی و اجتماعی جلوگیری کند (امام خمینی ۱۳۸۱: ۲۳). او سابقه طرح جدایی دین و سیاست را زمان بنی امیه و بنی عباس دانسته و از اینکه عده‌ای از اشخاص متدین نیز این مسأله را باور کرده‌اند، اظهار تأسف کرده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۴۱۸) و ضمن اشاره به این مسأله که استعمار، سیاسی بودن علما را امری پست جلوه می‌دهد، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۳۱؛ ج ۱۰: ۱۲۴) به این ترفند تصریح می‌کند که عده‌ای برای توجیه عدم دخالت روحانیان در مسائل سیاسی و اجتماعی، این گونه القا می‌کنند که سیاست به معنی دروغ‌گویی و فریب است و اگر علما وارد سیاست شوند احترامشان پیش مردم از بین می‌رود! (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۳۶۱).

از نظر سید قطب نیز یکی از عوامل مهم مہجوریت قرآن، محدود کردن آن در امور معنوی و محرومیت آن از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی است (سید قطب ۱۳۵۰: ۱۱۳).

۳-۲-۵- ترویج اسلام انحرافی

امام خمینی اسلام را به دو نوع ناب و آمریکایی تقسیم می‌کند و برای اسلام آمریکایی این ویژگی‌ها را برمی‌شمارد: «اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان»، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۱) «اسلام مقدس‌نماهای متحجر»، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۲۰) «اسلام سلطنتی... اسلام التقاط»، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۴۰) و اسلامی که مطابق آن، علما نباید در امور سیاسی و اجتماعی دخالت کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۱) امام خمینی ترویج اسلام انحرافی را یکی از اهداف استعمارگران برای مہجوریت قرآن می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۸۷).

در مقابل، اسلام ناب در اندیشه امام خمینی، اسلامی است که پرچمدار آن پابرهنگان و مظلومان و فقرا جهان هستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۰۴). این اسلام به تمام ابعاد قرآن و دین، و از جمله سیاسی و اجتماعی نظر دارد و سیاستی جهانی دارد (امام خمینی ۱۳۷۹: ۴۶) امام خمینی از نقشه استعمار برای مہجوریت قرآن پرده برمی‌دارد و ترویج اسلام انحرافی را از اقدامات آنان برمی‌شمارد و تصریح می‌کند که استعمارگران که خود مخالف سرسخت قرآن بوده‌اند، مدعی حمایت از آموزه‌های آن گشته‌اند تا قرآن کریم را مہجور کنند و از بین ببرند و زمینه برای پیشبرد اهداف استعماری گردد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۴۸۷).

یکی دیگر از عوامل مہجوریت آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، ترویج قرائتی از اسلام است که اساساً در آن سیاست و حکومت نقشی ندارد و امام خمینی از آن به «اسلام آمریکایی» تعبیر کرده است. سید قطب نیز اصطلاح اسلام آمریکایی را به کار برده است.^۱ (سید قطب ۱۳۵۰: ۱۰۴؛ احمدی ۱۳۸۳: ۶۹). سید قطب بر آن بود که دو نوع اسلام وجود دارد: یکی اسلام واقعی و دیگری اسلامی که غرب و آمریکا می‌خواهد (سید قطب ۱۳۵۰: ۱۰۳). آنان از قرآن تنها مسائل فقهی را می‌پرسند و هرگز به ابعاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن نمی‌پردازند. آنان حتی برخی از

۱. وی از اصطلاح «اسلام غربی» نام می‌برد.

احکام اسلام مانند زکات را عامل خطر و مانع پیشرفت خود می دانند و با آن مخالفت می کنند (سیدقطب ۱۳۵۰: ۱۱۹).

۳-۲-۶- ایجاد تفرقه میان مسلمانان

یکی از عوامل مهجوریت قرآن در بعد سیاسی و اجتماعی، تفرقه در میان مسلمانان است. قرآن کریم تفرقه و اختلاف را مایه سستی، از بین رفتن ابهت مسلمانان (أنفال: ۴۶) و بی خردی (حشر: ۱۴) می داند. بر همین اساس، امام خمینی عدم اتحاد بین مسلمانان را یکی از بزرگ ترین و اساسی ترین مشکلات دانسته (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۶۹) و ضمن توجه دادن به این معضل سیاسی و اجتماعی، مسلمانان جهان را از درافتادن به دام اختلاف و تفرقه برحذر می دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۵۱۶؛ ج ۶: ۸۴-۸۳).

یکی از روش های بیگانگان برای ایجاد تفرقه و مهجور ماندن آموزه های سیاسی و اجتماعی قرآن، ترویج ملی گرایی در میان مسلمانان است. امام خمینی ملی گرایی را باعث ایجاد دشمنی و شکاف بین مسلمانان می داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۲۰۹) و با توجه به مخالف بودن ملی گرایی با قرآن، (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۳۴) آن را نفی می کند. در اندیشه امام خمینی، قرآن کریم نیز با ردّ نژادپرستی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۰۹) همه را برابر و برادر می داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۶۸-۱۶۷). سیدجمال الدین اسدآبادی، سید قطب و اقبال لاهوری نیز ضمن مخالفت با ملی گرایی، آن را نقشه بیگانگان برای تضعیف وحدت مسلمانان دانسته اند که باعث عقب ماندگی مسلمانان می گردد (اسدآبادی ۱۴۲۱: ۷۲-۷۱؛ سید قطب ۱۳۵۰: ۹۱، ۱۱۳؛ بقایی ۱۳۷۹: ۴۵).

نتیجه

گروه های پرشماری از مسلمانان همواره از ابعاد سیاسی و اجتماعی قرآن غفلت داشته اند و با دوری جستن از تعالیم اهل بیت^(ع)، اکتفا به مسائل ظاهری، برداشت های سلیقه ای و کج اندیشی و خشک-ذهنی برخی از عالمان، عملاً به آموزه های سیاسی و اجتماعی قرآن کم توجهی کرده و آنها را مهجور نهاده اند؛ چنان که بیگانگان و دشمنان قرآن نیز همواره در مقابله با آموزه های سیاسی و اجتماعی قرآن، دور ساختن آن از صحنه سیاست و اجتماع و ترویج اندیشه های ضد قرآنی

کوشش کرده و با ایجاد تفرقه میان مسلمانان و ترویج قرائت‌های بی‌ریشه و نادرست از اسلام، باعث مهجور ماندن ابعاد سیاسی و اجتماعی قرآن شده‌اند.

منابع

- قرآن کریم
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق) *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد. (بی تا) *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن حنبل، احمد. (۱۳۹۸ ق) *المسند*، بیروت: المکتب الاسلامی، چاپ دوم.
- ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا. (۱۳۹۹ ق) *معجم مقاییس اللغه*، ۶ جلدی، تحقیق عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ ق) *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۰ ق) *لسان العرب*، ۱۵ جلدی، دار بیروت للطباعة و النشر.
- ابن ابی الحدید، عزالدین. (۱۴۰۴ ق) *شرح نهج البلاغه*، قم: نشر مکتبه آیه الله مرعشی.
- احمدی، علی. (۱۳۸۳) *شهید سید قطب*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
- اسدآبادی، سیدجمال الدین، محمد عبده. (۱۴۲۱ ق) *العروه الوثقی*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ دوم.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۳) *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- _____ . (۱۳۷۹) *اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج)، چاپ پنجم.
- _____ . (۱۳۸۶) *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج)، چاپ یازدهم.
- _____ . (۱۳۵۹) *شرح دعای سحر*، ترجمه سید احمد فهری، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- _____ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج)، چاپ چهارم.
- _____ . (بی تا) *کشف اسرار*، قم: پیام اسلام.

- _____ . (۱۳۸۱) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج)، چاپ یازدهم.
- امین، احمد. (بی تا) *زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث*، بیروت: دارالکتب العربی.
- انیس ابراهیم، منتصر عبدالحلیم، الصوالحی عطیه، خلف الله احمد محمد. (۱۳۷۴) *المعجم الوسیط*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
- بقایی، محمد. (۱۳۷۹) *سرار زندگی، شرح اسرار خودی اقبال لاهوری*، تهران: فردوس، چاپ اول.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق) *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (بی تا) *سنن ترمذی*، تحقیق احمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی، ابراهیم عطوه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸) *تفسیر موضوعی قرآن کریم (ج ۱۳)*، قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ ق) *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه*، ۶ جلدی، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعه.
- دهخدا، علی اکبر. (بی تا) *لغت نامه دهخدا*، ۱۵ جلدی، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق) *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب، حسین بن محمد. (۱۴۱۸ ق) *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
- زبیدی، سیدمحمد مرتضی بن محمد الحسینی. (۲۰۰۷ م) *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۴۰ جلدی، تحقیق عبدالمنعم خلیل ابراهیم و کریم سیدمحمد محمود، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- سید قطب بن ابراهیم (بی تا) *آئینه در قلمرو اسلام*، ترجمه آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، تهران: انتشارات عصر.
- _____ . (۱۴۱۲ ق) *فی ظلال القرآن*، قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.
- _____ . (۱۳۵۰) *ما چه می‌گوییم*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، قم: دین و دانش، چاپ چهارم.
- سیوطی، جلال الدین، جلال الدین محلی. (۱۴۱۶ ق) *تفسیر الجلالین*، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، چاپ اول.
- شاد، محمد پادشاه. (۱۸۹۲ م) *فرهنگ آندراج*، لکهنو.
- شرفی، حسین. (۱۳۷۲) «ناهنجاری‌های جهان اسلام از دید سیدجمال الدین اسدآبادی»، *ویژه نامه حوزه*، ش ۶۰-۵۹، آذر، دی، بهمن و اسفند.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵) *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- طالقانی، سیدمحمود. (بی تا) *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۹۳ ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی، الطبعة الثانية.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا) *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- غزالی، محمد. (بی تا) *اسلام و بلاهای نوین*، ترجمه مصطفی زمانی، تهران: انتشارات فراهانی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق) *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراهیدی، أبو عبدالرحمن الخلیل بن أحمد. (۱۴۰۵ ق) *کتاب العین* (۸ جلدی)، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دارالهجره، الطبعة الاولى.
- فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ ق) *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن محسن. (۱۴۱۵ ق) *الصادق*، تحقیق حسین اعلمی، تهران: الصدر، چاپ دوم.
- قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ ق) *محاسن التأویل*، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۱ ق) *الکافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
- مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ ق) *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین، چاپ اول.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۹) *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸) *مسأله حجاب*، تهران: انتشارات صدرا.
- _____ . (بی تا) *نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق) *التفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- مودودی، سید ابوالاعلی. (۱۴۱۷ ق) *تفهیم القرآن*، ۶ جلدی، ترجمه اصغر آفتاب، لاهور: دارالعروبة للدعوة الإسلامیة.
- میبدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱) *کشف الأسرار و عمدة الأبوار*، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- نجفی خمینی، محمد جواد. (۱۳۹۸ ق) *تفسیر آسان*، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- هامفری، (۱۳۸۶) *خاطرات مستر همفری*، ترجمه علی کاظمی، قم: نشر اخلاق، چاپ چهارم.